

مطالعه کیفیت زندگی سرپرستان خانوار شهر زنجان در سال ۱۳۹۲

سودابه محرمی*

حمید صنعت‌جو**، یوسف بیانلو***

چکیده

در پژوهش حاضر کیفیت زندگی سرپرستان خانوار شهرستان زنجان را از منظر جامعه‌شناختی مطالعه و بررسی می‌کنیم. سؤال اصلی تحقیق این است که کیفیت زندگی خانوارهای شهرستان زنجان چگونه است و عوامل مؤثر در تغییر کیفیت زندگی سرپرستان خانوار شهر زنجان چیست؟ پژوهش حاضر با روش کمی و به شیوه پیمایشی انجام شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه و جامعه آماری تحقیق همه سرپرستان خانوار شهرستان زنجان با تعداد ۱۱۰۹۴۳ خانوار است که با استفاده از فرمول کوکران ۳۹۰ خانوار برای نمونه انتخاب شد و سرپرستان بررسی شدند. براساس تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، بین اغلب متغیرهای زمینه‌ای (همانند سن، سواد، و تأهل) با متغیر سبک زندگی و مؤلفه‌های آن رابطه معنادار وجود داشت. هم‌چنین بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، کیفیت زندگی، و سبک زندگی و مؤلفه‌های آن رابطه معناداری وجود داشت.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی، سبک زندگی فرهنگی، محصولات فرهنگی، اوقات فراغت، سرپرستان خانوار.

۱. مقدمه

در قرن حاضر تغییرات چشم‌گیری را درباره دیدگاه آدمی به زندگی شاهد بوده‌ایم. در این قرن فقط حفظ زندگی به شکل معمول مطلوب نبوده است، بلکه ارتقای کیفیت زندگی در

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول)، somoharramei@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه زنجان، h.sanatjoo@gmail.com

*** استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه زنجان، ybayanloo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۱۲

زمینه‌های متعدد تلاش اساسی جوامع تلقی می‌شود. داشتن کیفیت زندگی مطلوب همواره آرزوی بشر بوده است. در ابتدا این آرزو به بهبود وضعیت‌های ظاهری افراد از قبیل میزان درآمد، تحصیلات، سلامتی جسمی، و مسکن محدود بود، ولی اکنون به طیف‌های وسیعی از جمله متغیرهای کیفی و ذهنی توجه می‌شود.

همه انسان‌ها از آغاز حیات خود در جست‌وجوی بهبودبخشیدن به کیفیت زندگی‌شان بوده‌اند، اما در دوران معاصر کیفیت زندگی به موضوع مطالعه جامعه‌شناسان تبدیل شده است، زیرا آنان به این واقعیت پی برده‌اند که آینده جامعه در گرو شناسایی عواملی است که در اوضاع زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد (صادقی، ۱۳۸۳).

۲. بیان مسئله

مراکز تحقیقاتی گوناگونی هم‌اکنون به سنجش کیفیت زندگی در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازند. در ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ انستیتوی تحقیقات اجتماعی در دانشگاه میشیگان و مرکز نظرسنجی شیکاگو کیفیت زندگی را می‌سنجند و از سال ۱۹۹۵ با تأسیس انجمن بین‌المللی پژوهش‌های کیفیت زندگی (International society for quality of life studies) سنجش این مفهوم به‌خوبی نهادینه شده است (Philips, 2006).

می‌توان گفت که اصولاً کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی است که با وضعیت جمعیت در مقیاس جغرافیایی خاصی (مانند روستا، شهر، و یا کشور) ارتباط دارد و از این رو، هم به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم به شاخص‌های عینی و کمی متکی است (کوکبی، ۱۳۸۵).

با توجه به این که محقق خود ساکن شهر زنجان است و تسلط و اشراف خاصی به زندگی شهروندان زنجان دارد، بنابراین بررسی جامعه‌شناختی کیفیت زندگی و ابعاد آن در مناطق گوناگون شهر زنجان موضوع پژوهش حاضر انتخاب شده است. در واقع سه سؤال اساسی این مقاله را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

۱. کیفیت زندگی سرپرستان خانوار در مناطق گوناگون شهر چگونه است؟
۲. چه رابطه‌ای بین فرهنگ سبک زندگی و کیفیت زندگی سرپرستان خانوار شهر زنجان وجود دارد؟
۳. عوامل و متغیرهای اصلی و مهم تعیین‌کننده میزان کیفیت زندگی سرپرستان خانوار شهر زنجان کدام‌اند؟

۳. تعریف نظری متغیرهای پژوهش

کیفیت زندگی و ابعاد آن: سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را به‌زیستی در حوزه‌های اجتماعی، روانی، و فیزیکی می‌داند و آن را چنین تعریف می‌کند:

کیفیت زندگی ادراک فرد از موقعیت زندگی خود در چهارچوب نظام‌های فرهنگی و ارزشی است که در آن زندگی می‌کند و با اهداف، معیارها، و دغدغه‌های او رابطه دارد. این امر بسیار گسترده است و به شیوه‌ای پیچیده تحت تأثیر سلامت فیزیکی، حالت روانی، میزان استقلال، و روابط او با جنبه‌های مهم محیط وی قرار دارد (هوگوگروپ، ۱۹۹۳: ۱۶۷).

سبک زندگی: سبک زندگی اصطلاحی است که از سال ۱۹۳۹ به بعد در زبان انگلیسی رواج یافته است. به‌نظر می‌رسد تا پیش از این نیاز به این اصطلاح احساس نمی‌شده است، اما امروزه این اصطلاح کاربرد عامیانه بسیاری دارد و بیش‌تر برای توصیف نوع خانه و اسباب و اثاثیه‌ای که فرد آن را مطلوب خود یا ایده‌آل خود می‌داند به‌کار برده می‌شود. از این نظر این اصطلاح برای توصیف و بیان تلقی فرد از زندگی یا زندگی ایده‌آل به‌کار می‌رود که معمولاً در فعالیت‌ها، علاقه‌ها، و نگرش‌هایش منعکس می‌شود، اما در تعریفی ساده و کلی‌تر می‌توان سبک زندگی را شیوه زندگی به‌نحو دقیق‌تر و با الگو و شیوه‌های زندگی روزمره تعریف کرد که نه‌تنها شامل الگوهای فردی مطلوب از زندگی، بلکه شامل همه عادت‌ها و روش‌هایی است که فرد با اعضای یک گروه به آن‌ها خو کرده یا عملاً با آن‌ها سروکار دارد (صالحی، ۱۳۸۶: ۴۲).

در ادبیات جامعه‌شناسی، از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و دو گونه مفهوم‌سازی متفاوت به‌عمل آمده است. در دیدگاه نخست که سابقه آن به دهه ۱۹۲۰ بازمی‌گردد سبک زندگی معرف موقعیت اجتماعی افراد بود و غالباً در حکم شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به‌کار می‌رفت؛ از دیدگاه دوم سبک زندگی نه راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که فقط در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (گیدنز، ۱۹۹۱؛ بوردیو، ۱۹۸۴؛ فدرستون، ۱۹۹۱؛ لاش و یوری، ۱۹۸۷).

مصرف فرهنگی: به‌بیان ساده مصرف فرهنگی به معنای استفاده از کالاهای تولیدشده نظام فرهنگی است و مشخص‌کننده نوع سلیقه مصرف‌کننده است (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۱۲).
اعتماد اجتماعی:

اعتماد اجتماعی را می‌توان داشتن حسن‌ظن به دیگران در روابط اجتماعی، که دارای دو طرف اعتمادکننده (trustee) و اعتماد شونده (truster) و فرد یا گروه است، دانست که

تسهیل‌کننده روابط اجتماعی بوده و امکان سود یا زیان را در خود نهفته دارد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۱).

واژه اعتماد (trust) در فرهنگ آکسفورد اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص یا یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته توصیف می‌شود. در زبان فارسی واژه اعتماد مترادف با تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور، و اعتقاد به کار می‌رود.

۴. رویکردهای گوناگون به کیفیت زندگی

رویکرد روان‌شناختی: روان‌شناسان که فرد را واحد مطالعات خود می‌پندارند درجه مطلوبیت کیفیت زندگی را ناشی از رشد کامل شخصیت فرد می‌دانند و بر آن شدند تا میان کیفیت زندگی و ویژگی‌های شخصیتی انسان رابطه برقرار کنند. به‌زعم آنان، برخی از گونه‌های شخصیتی کیفیت زندگی خود را مطلوب و برخی دیگر آن را نامطلوب تلقی می‌کنند.

جان باولبی (John Bowlby) در یکی از آثارش درباره انحراف چنین استدلال می‌کند که از جمله مهم‌ترین نیازهای کودک امنیت عاطفی است که از طریق مادر تأمین می‌شود. چنانچه کودک از عشق و محبت مادری محروم شود، این امکان وجود دارد که به شخصیت روان‌رنجور (psychopathic personality) مبتلا شود. این افراد معمولاً بدون تأمل و اندیشه عمل می‌کنند و در نتیجه کیفیت زندگی مطلوبی را تجربه نخواهند کرد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳).

کیفیت زندگی پائین در این دیدگاه واکنشی است که در نتیجه ناتوانی فرد در یافتن راه‌حل برای کشمکش‌های ناشی از ارتباط او با خانواده به‌وجود می‌آید (حیدریان، ۱۳۴۶: ۶۵).

رویکرد روان‌شناختی اجتماعی: در تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی کیفیت زندگی پلی است بر شکاف میان محیط‌گرایی گسترده در تبیین‌های جامعه‌شناختی و فردگرایی محدود در تبیین‌های روان‌شناختی و زیست‌شناختی؛ تبیین‌هایی که در آن‌ها کانون اصلی تحلیل عمدتاً متوجه موقعیتی است که فرد تلقی خاصی از کیفیت زندگی خود دارد و فرض نیز بر آن است که نحوه ارزیابی کیفیت زندگی در خلال کنش‌های متقابل اجتماعی فرا گرفته می‌شود و این فراگیری نیز ناشی از فرایندهایی مانند یادگیری شرطی، تقویت، مشاهده،

الگوسازی، و هم‌چنین برچسب اجتماعی است. در هر حال، گاه به‌منظور توجه‌دادن به تأثیر محوری فرایندهای مزبور در این تبیین‌ها آن‌ها را نظریه‌های فرایند اجتماعی می‌نامند. آن‌چه در این دسته تبیین‌ها به‌منزله علل پیدایش این بیش معرفتی می‌شود معمولاً به یکی از محورهای زیر تقلیل‌پذیر است:

۱. نقصان و ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری؛

۲. نقصان و ناکارآمدی جریان کنترل اجتماعی؛

۳. تعدد نامتناسب جریان‌های اجتماعی‌کننده و کنترل‌کننده (صدیقی اورعی، ۱۳۷۴: ۲۵).

رویکرد جامعه‌شناختی: موضوع کیفیت زندگی تقریباً به‌طور هم‌زمان در چندین رشته علوم اجتماعی مطرح شد. در جامعه‌شناسی اغلب در حکم موضوعی ضمنی در مطالعات اجتماعی مطرح بوده است؛ مانند توصیف زندگی روستایی در ایالت متحده که آگبرن (۱۹۶۶) انجام داد. امروزه کیفیت زندگی به یکی از موضوعات مسلط شاخص‌های تحقیقات اجتماعی تبدیل شده است. در ابتدا فقط بر شاخص‌های «عینی» رفاه مانند فقر، بیماری، و خودکشی تأکید می‌شد و شاخص‌های انتزاعی در دهه ۷۰ اضافه شدند.

در حال حاضر کیفیت زندگی در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته موضوع اصلی گزارش‌های اجتماعی است و سؤالات مربوط به این موضوع در قالب سؤالات جامعه‌شناسی مسکن، کار، و خانواده مطرح است (اسلمسر و فیشر، ۱۹۸۵: ۱۷۵).

دیدگاه بوم‌شناسی (ecology): جامعه‌شناسی در دانشگاه شیکاگو با تأکید بر بوم‌شناسی شکل گرفت. بوم‌شناسی هم به‌طور کلی بر نحوه توزیع فعالیت‌های اجتماعی (کیفیت زندگی) در فضا و زمان تأکید دارد. با استفاده از این دیدگاه بوم‌شناسان به دو موضوع اصلی توجه داشتند که در تحلیل کیفیت زندگی از اهمیت خاصی برخوردارند: اول این‌که توزیع فعالیت‌ها در فضا و زمان و در محیط شهری چگونه باعث یا مانع دستیابی به اهداف جمعی می‌شود؛ دوم این‌که این نحوه توزیع چگونه در تجربه اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند تأثیر می‌گذارد. محققان شیکاگو در دو سطح کلان و خرد مسائل شهری را بررسی کردند. تحقیقات آنان هم شامل نظریه‌های کلان می‌شود که نشان می‌دهد چگونه کیفیت زندگی در میان اجتماعات گوناگون متفاوت است و هم شامل نظریه‌های خرد می‌شود که به جریان‌های روان‌شناسی اجتماعی توجه دارد و زیربنای این جریان‌ها در سطح کلان‌اند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۵۸). از نقطه‌نظر بوم‌شناسان کار جامعه‌شناس دریافت این مهم است که تعادل طبیعی چگونه در محیط اجتماعی حفظ می‌شود.

رویکرد کنش متقابل: دیدگاه کنش متقابل بر این نکته تأکید دارد که در بحث کیفیت زندگی باید به چگونگی تعامل و کنش متقابل نمادین توجه کرد و این رویکرد بر ماهیت فکری و تصویری هر فرد درباره خودش تأکید دارد؛ هم‌چنین نگرش وی مانند هر فرد دیگری درباره تصویر مثبت و منفی اطرافیان از شخصیت و رفتارش تأثیر به‌سزایی در نحوه عمل او و در کیفیت زندگی او دارد.

چارلز هورتن کولی (Charles-Horton Cooley)، جامعه‌شناس امریکایی، نظریه‌ای ارائه کرده است که به «خودآینه‌سان» معروف شده است؛ منظور از آینه که فرد خود را در آن می‌بیند جامعه است که می‌توانیم در آن واکنش‌های دیگران را در برابر اعمال و رفتاری که انجام می‌دهیم ملاحظه کنیم، رشد خود اجتماعی از همان ابتدای زندگی آغاز می‌شود. تصویر خود در نزد کودک از خانواده سرچشمه می‌گیرد و طی زندگی، ضمن تماس با هم‌بازی‌ها و گروه هم‌سالان، رشد می‌کند. بدین‌سان، واکنش‌های دیگران رفتار را تا حد وسیعی تعیین و مشخص می‌کند (کوئن، ۱۳۷۲: ۷۹).

کولی برای روشن کردن خصلت انعکاسی خود آن را با آینه مقایسه کرده بود. مفهوم خودآینه‌سان از سه عنصر اصلی ساخته می‌شود: نخست، ظاهر ما به چشم دیگری چگونه می‌نماید؛ دوم، داوری او درباره ظاهر ما چیست؛ و سرانجام، چه احساسی از خود برای ما پدید می‌آید، غرور یا سرشکستگی. خود در فراگردی اجتماعی مبتنی بر ارتباط متقابل پدید می‌آید و در آگاهی شخص منعکس می‌شود (کوزر، ۱۳۷۷: ۱۹۷).

۵. مفهوم کیفیت زندگی از نگاه دیگر نظریه‌پردازان

نظریه‌پردازان فلاناگان (Flanagan): وی در گروه‌بندی کیفیت زندگی پنج حیطه را مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. خوب‌بودن فیزیکی و مادی شامل رفاه مادی و تأمین مالی و بهداشتی و شخصی؛
۲. ارتباط با دیگران همانند ارتباط با همسر و داشتن و اضافه‌کردن فرزند، ارتباط با والدین، و خویشاوندان؛
۳. فعالیت‌های جمعی و اجتماعی از قبیل کمک به مردم؛
۴. تکامل فردی و آشکارسازی شخصیت همانند تکامل عقلانی؛
۵. اجتماعی‌شدن از قبیل انجام‌دادن فعالیت‌های سرگرم‌کننده (Anderson and Burchhatdt, 1999: 121).

نظریهٔ زیمل: زیمل به زعم آن که طی زندگی خویش همواره حاشیه‌نشین دانشگاهی محسوب می‌شد تأثیر کتمان‌ناپذیری در اندیشهٔ مدرن و حتی بنیان پست‌مدرنیسم داشت و این بدان علت است که دل‌مشغولی‌های وی همواره با هم‌نسلانش بسیار متفاوت بود یا حتی ماهیتی خیالی و غیرعملی در علایق وی به چشم می‌خورد (کیوسیتو، ۱۳۷۸: ۱۷۱).

او در مقالهٔ «مد» به انگیزه‌های درونی و عوامل فردی مؤثر در شکل‌گیری الگوی مصرف می‌پردازد و دلایل تعدد تغییر «مد» را در پوشاک، هنر، معماری، آشپزی، موسیقی، و غیره در مظاهر فرهنگ مدرن جست‌وجو می‌کند. او جهان مدرن را عصری عصبی ارزیابی می‌کند که در آن برخلاف گذشته عرصهٔ انتخاب برای مصرف بسیار وسیع است. این تنوع انتخاب و تکثر گونه‌هاست که به افراد امکان می‌دهد خود را از دیگران متمایز کنند. به دنبال همین اندیشه است که امروز یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم «سبک زندگی» را قدرت انتخاب می‌دانیم. این نظر زیمل که پذیرش مد ابزاری است که افراد از طریق آن می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خویش شکل بدهند بعدها دست‌مایهٔ بسیاری از جامعه‌شناسان در خصوص طرح مصرف، سبک زندگی، و فراغت شد (زیمل، ۱۳۹۰: ۶۶).

تورشتاین وبلن: به نظر وبلن، مصرف فراوان، تن‌آسایی مفرط، و نمایش گستردهٔ نهادهای بلندپایگی و سالی‌اند که انسان‌ها با آن‌ها می‌کوشند تا در چشم همسایگان برتر جلوه کنند و در ضمن، برای خودشان نیز ارزش بیش‌تری قائل شوند. آداب و شیوه‌های زندگی اشراف‌منشانه با ضوابط تن‌آسایی و مصرف چشم‌گیر سازگاری دارند. مصرف چشم‌گیر کالاهای گران‌قیمت وسیلهٔ کسب آبرومندی برای نجیب‌زادگان تن‌آاست (کوزر، ۱۳۷۲: ۳۶۲).

الگوی مصرف، که استراتژی اصلی سبک زندگی محسوب می‌شود، از سوی مردم به‌مثابهٔ شاخصی برای تمایز آنان از اقشار پایین‌تر به‌شمار می‌رود. به اعتقاد وبلن، مردم در ولع خویش برای کسب ثروت‌های بی‌پایان در حقیقت به دنبال نمادهای بلندپایگی و جایگاه متمایز با دیگران‌اند و این نگرش نه‌تنها موجب افزایش تولید و پیش‌رفت نمی‌شود، بلکه در کاستن میزان فقر نیز مؤثر نیست (خادمیان، ۱۳۹۰: ۷۰).

ماکس وبر: در میان جامعه‌شناسان کلاسیک ماکس وبر تنها کسی است که بدون داشتن هیچ اندیشهٔ مبسوطی دربارهٔ مصرف و نقش آن در دنیای مدرن از مفهوم سبک زندگی استفاده می‌کند و برای نشان‌دادن سلسله‌مراتب و قشریندی اجتماعی از آن بهره می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۸).

گافمن: گافمن چنین می‌پنداشت که افراد در هنگام کنش متقابل می‌کوشند جنبه‌ای را از خود نمایش دهند که مورد پذیرش دیگران باشد، اما کنش‌گران حتی در حین انجام‌دادن این عمل می‌دانند که حضارشان ممکن است در اجرای نقش آنان اختلال ایجاد کنند. به‌همین علت کنش‌گران نیاز به نظارت بر حضار را احساس می‌کنند، به‌ویژه مراقب عناصری‌اند که ممکن است اختلال‌گر باشند. کنش‌گران هم‌چنین امیدوارند که نمایش آنان حضارشان را وادارد تا داوطلبانه به دل‌خواه آنان عمل کنند. گافمن این علاقه اصلی را با عنوان «مدیریت اثرگذاری» مطرح کرد (ریترز، ۱۳۷۴: ۲۹۲).

آنتونی گیدنز: گیدنز در نظریه خود در خصوص ساختار طبقاتی در جوامع پیش‌رفته به شیوه جدیدی به طرح مفهوم سبک زندگی می‌پردازد که در واقع این مفهوم نیز در نظریه ساخت‌یابی وی شکل می‌گیرد.

گیدنز انسان را در حکم عاملی در شکل‌گیری هویتش مؤثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیش‌تر تقلید می‌کند. به نظر او، در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه‌فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم، بلکه به‌تعبیر دیگر به این پیروی ناچاریم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به‌جز گزینش نداریم. به نظر وی، هر چه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به‌سر می‌برد بیش‌تر به جامعه سستی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیش‌تر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش سروکار خواهد داشت (مجدی، ۱۳۸۹: ۵).

مصرف و سلیقه فرهنگی نخبه‌گرایانه: پایه و اساس سلیقه نخبه‌گرایانه و زیبایی‌شناسانه امتناع از هر چیز سطحی و سهل‌الوصول است؛ نوعی عملیات رمزگشایی در این نوع سلیقه نهفته است که محسوس را بر مفهوم ترجیح می‌دهد و در همان حال از فصاحت، شورمندی، و نمایشی‌بودن بیزاری می‌جوید. این نوع سلیقه توجه به بازنمایی‌های غیرمستقیم را جان‌شین توجه به بیان مستقیم و صریح می‌کند و با به‌تعلیق‌درآوردن ماهیت و کارکرد موضوع بازنمایی صرفاً به فرم اهمیت می‌دهد. برخورداری از سلیقه نخبه‌گرایانه باعث می‌شود افراد در کنار مصرف اثر هنری اطلاعات مفصل درباره آن را نیز (جایزه‌ها، انتقادات، تحسین‌ها، و...) مصرف کنند (بورديو، ۱۳۹۰: ۳۵۰). در واقع، افراد دارای سلیقه نخبه‌گرایانه «با ترجیح آثار هنری‌ای که معنایشان در پس دقت‌نظرهای صوری است موسیقی کلاسیک و فاخر، هنر انتزاعی، و فیلم‌های آوانگارد را بیش از موارد دیگر می‌پسندند» (سیدمن، ۱۳۸۸: ۹۵).

به دو دلیل شاخص‌های سبک زندگی بیش‌تر از عرصه مصرف فرهنگی استخراج شده‌اند: دلیل اول این است که مصرف فرهنگی غالباً کم‌تر از بقیه انواع فعالیت‌ها مستلزم

هزینه‌کردن است و قدرت انتخاب افراد در این زمینه زیاد است؛ ثانیاً دیدگاه بوردیو، دربارهٔ این‌که طبقات بالا خود را با فرهنگ متعالی از بقیه طبقات متمایز می‌کند، سبب شده است تا بسیاری از پژوهش‌گران نظریهٔ وی را دوباره بیازمایند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

پیر بوردیو: پیر بوردیو (۱۹۳۰-۲۰۰۲) از جامعه‌شناسان مشهور فرانسوی است که تأثیر مهمی در رفع چالش‌های نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی داشته و ضمن تعهد به سنت‌های اصیل این رشته سعی کرده است بین ساختارگرایی و فرهنگ‌گرایی آشتی برقرار کند و عوامل نظری و تجربی را از یک سو و خرد و کلان، عینی و ذهنی، عاملیت و ساختار، فرد و جامعه، و دیگر دوگانگی‌های مناقشه‌برانگیز را از سوی دیگر درهم آمیزد (معصومی‌راد، ۱۳۹۰: ۶۲).

نظریهٔ سرمایه فرهنگی بوردیو: به بیان ساده مصرف فرهنگی به معنای استفاده از کالاهای تولیدشده نظام فرهنگی است و مشخص‌کنندهٔ نوع سلیقه مصرف‌کننده است (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۱۲). در واقع، سلیقه بیش از هر چیز در الگوی مصرف فرهنگی افراد بروز می‌یابد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). سلیقه مجموعهٔ متحدی از ترجیحات تمایزبخش است که قصد ابرازگری واحدی را در منطق خاص هر خرده‌فضای نمادینی (نظیر میدان مصرف فرهنگی) به‌نمایش می‌گذارد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۴۳).

از نظر بوردیو با در نظر گرفتن سلیقه و ترجیحات افراد در انتخاب و مصرف کالاهای فرهنگی می‌توان به موقعیت اجتماعی آنان پی برد، زیرا اصولاً حس زیبایی‌شناختی گروه‌های گوناگون و نوع مصرف فرهنگی خاص آنان در تقابل با یک‌دیگر مشخص و تعریف می‌شود (واکووانت، ۱۳۷۹). بر این اساس، در این پژوهش تمایل به مصرف انواع کالاهای فرهنگی نخبه‌گرایانه، میان‌مایه، و عامیانه به‌منزلهٔ الگوهای مشخص‌کنندهٔ سلیقهٔ افراد در نظر گرفته شده‌اند. تضاد اصلی میان این سلیقه‌ها در حوزهٔ ماده و اسلوب، محتوا و فرم، شعور و شور، تأمل و هیجان، و در یک کلام کیفیت و کمیت، به‌چشم می‌خورد (بوردیو، ۱۳۹۰). جایی که سلیقهٔ نخبه‌گرایانه با علاقه به هنر تجربی، انتزاعی، پیش‌رو، و هنر پیچیده به‌لحاظ فرم مشخص می‌شود، سلیقهٔ عامیانهٔ معطوف به هنر با ویژگی واقع‌گرایی، کاربردی، و تزئینی نمود می‌یابد (رامین، ۱۳۸۹).

نظریهٔ بوردیو دربارهٔ مصرف فرهنگی: موضع کلی وی در قبال مقولهٔ مصرف با این عبارت از کتاب تمایز مشخص می‌شود که اقتصاد جدید طالب دنیای اجتماعی‌ای است که در آن مردم به همان اندازه که براساس ظرفیتشان در تولید ارزیابی می‌شوند، برحسب ظرفیتشان در مصرف نیز ارزیابی خواهند شد. وی مصرف را از اصلی‌ترین عناصر دنیای

اجتماعی مدرن می‌دانست و در حکم متغیری مستقل و نه فقط وابسته به عوامل اقتصادی تحلیل می‌کرد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۶).

بوردیو در تحقیقات خود به مصرف کالاهای فرهنگی توجه ویژه‌ای کرد، به‌مثابه محصولات آنی که سرمایه اقتصادی چندانی نمی‌طلبد، و مصرف محصولات فرهنگی را در حکم شاخص سبک زندگی متعالی و عامیانه یافت و تفاوت‌های لایه‌های اجتماعی را در قالب ابزار قریحه هنری تبیین کرد. وی در تحلیل روابط میان متغیرهایی چون درآمد، شغل، تحصیلات، و سکونت به این نتیجه می‌رسد که انواع سرمایه‌ها به‌صورتی نابرابر در میان مردم توزیع شده‌اند و نوع و میزان سرمایه اثری یا اکتسابی را می‌توان با توجه به تفاوت‌های مشاهده‌پذیر در درآمد، شغل، تحصیلات، و سکونت ترسیم کرد. او مدلی از سبک‌های زندگی و فعالیت‌های مرتبط با آن‌ها می‌سازد که از طریق عادت‌واره به خاستگاه اجتماعی و تحصیلات بازمی‌گردد. سلسله‌مراتب سه‌پله‌ای ذوق و سلیقه یعنی «والا»، «میان‌مایه»، و «عامی» به خاستگاه اجتماعی و سطح تحصیلات مربوط می‌شود و از این ره‌گذر، مصرف انواع کالاهای فرهنگی، به نسبت سطح آن‌ها در سلسله‌مراتب ارزش‌های هنری، می‌تواند مصرف‌کنندگان را به‌مثابه صاحبان سبک‌های فرهنگی متعالی، میان‌مایه، و عامیانه هویت بخشد و معرفی کند (خادمیان، ۱۳۹۰: ۱۳۹-۱۴۰).

۶. چهارچوب نظری

پس از مطالعه و بررسی رویکردها و نظریات گوناگون فلسفی، روان‌شناختی، زیست‌شناختی، پزشکی، جامعه‌شناختی، و ...، با توجه به این‌که مقوله کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است، هر فرد ماهیتی زیستی، اجتماعی، و روانی دارد که در تعامل مستمر با محیط اوست، کیفیت زندگی برخاسته از پیچیدگی کنش متقابل شخص با محیط است، ابعاد کیفیت زندگی هم‌راه با توانایی یا ناتوانی مردم برای همه یک‌سان است و اگرچه ابعاد اساسی کیفیت زندگی برای همگان یک‌سان است، اما کیفیت زندگی با درجات گوناگون در افراد متفاوت است (Auh, 2005)، بنابراین چهارچوب نظری تحقیق به‌صورت ترکیبی تنظیم و تدوین شد که محوریت اصلی چهارچوب نظری نظریات جامعه‌شناختی با تأکید بر مکتب بوم‌شناختی شیکاگو بود.

نکته مهم و حائز اهمیت در زمینه چهارچوب نظری این است که متغیرهای لازم و مورد نظر برای تبیین موضوع تحقیق و متغیر وابسته به‌صورت انتخابی از درون نظریات

روان‌شناختی، روان‌شناختی اجتماعی، زیست‌شناختی، پزشکی، و به‌ویژه جامعه‌شناختی استخراج و در قالب چهارچوب نظری تلفیقی، تهیه، تنظیم، و تدوین شده است.

۱.۶ شاخص‌های کیفیت زندگی براساس نظریات گوناگون

ضمن این‌که مفهوم کیفیت زندگی خود مفهومی چندجانبه و چندبُعدی است و فقط جنبه‌های مادی زندگی را در برنمی‌گیرد، اندازه‌گیری و پی‌بردن به آن خود در گرو عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و حتی محیطی است. همین‌طور، خصوصیات فردی افراد جامعه نیز در آن دخالت دارند. این‌که کیفیت زندگی را چگونه تعریف کنیم خود بستگی به این دارد که مردم در کجا زندگی می‌کنند، چه کار می‌کنند، و چه منشأ نژادی و فرهنگی دارند.

اندازه‌گیری و سنجش کمی کیفیت زندگی نیز بین ملل و جوامع گوناگون با توجه به اوضاع زندگی، نظام ارزشی، و مجموعاً فرهنگ‌های گوناگون آنان کاری بس مشکل می‌نماید. در کل، هر شاخصی که به اندازه‌گیری کیفیت زندگی می‌پردازد می‌بایست دربرگیرنده مجموعه عواملی باشد که رفاه انسانی را بهبود بخشد یا افزایش دهد.

از طرف دیگر، معیارهای ذهنی سنجش کیفیت زندگی عمدتاً به سنجش احساسات در خصوص زندگی و تصور مردم از زندگی خود می‌پردازند و آن خود از طریق ارزیابی میزان رضایت یا سرور افراد جامعه قابل اندازه‌گیری است. در اوضاع ایده‌آل، برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی هر دو شاخص عینی و ذهنی می‌بایست منظور شود. از آن طریق است که تصویری جامع از اوضاع زندگی افراد جامعه می‌توان به‌دست آورد و بر آن اساس است که سیاست‌گذاران می‌توانند برای اقشار گوناگون جامعه برنامه‌ریزی کنند. کیفیت زندگی مفهومی است چندوجهی و پیچیده، ولی در عین حال تعریف‌شدنی و سنجش‌پذیر. با ره‌یافتی میان‌رشته‌ای می‌توان آن را تعریف کرد و برای آن مدل مفهومی ساخت و براساس آن مدل آن را سنجید.

مدیریت کیفیت زندگی یعنی تغییر اوضاع عینی زندگی در جهت مطلوب، که وظیفه اصلی حکومت و دولت است. تغییر مدل‌های ذهنی و برداشت فرد درباره واقعیت در اختیار فرد است، ولی اگر فرد و کیفیت زندگی او در محاسبات حکومت جایی نداشته باشد، چه خواهد شد؟ کوشش مستمر فرد در راه تغییر مدل‌های ذهنی زمانی مؤثر است و توصیه می‌شود که اوضاع واقعی زندگی یا نامطلوب نباشد و یا حکومت و دولت دغدغه بهبود آن را داشته باشد. شاید آشنایی با مفهوم کیفیت زندگی به دولت‌ها و حکومت‌ها

کمک کند در راه مطلوب کردن اوضاع عینی زندگی و واقعیت‌ها گام بردارند و به فرد نیز امکان دهد در قلمرو نفوذ خویش مدیریت کیفیت زندگی خویش را در دست گیرد. به هر حال کیفیت زندگی پارادایمی است که با مفاهیم اقتصاد نوین و توسعه پایدار سازگاری معنایی دارد و هم‌اکنون مورد توجه بسیاری از کشورهاست. در واقع، در حکم گفتمانی جهانی واکنشی است طبیعی در برابر آثار و پیامدهای ناگوار حکم‌رانی بد و بی‌خردی رهبران جوامع در مدیریت کلان توسعه سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی (خوارزمی، ۱۳۸۷).

۱.۱.۶ متغیرهای عینی

الف) بعد فردی: این بعد شامل متغیرهایی است که رابطه فرد را با موقعیت خاص زندگی او، از جمله امکانات ضروری برای برخورداری از یک زندگی سالم و راحت، تعریف می‌کنند. مهم‌ترین این متغیرها به شرح زیرند:

- رفاه مادی: داشتن شغل و درآمد مناسب؛
- تغذیه مناسب: پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میان تغذیه نامناسب سال‌های اول زندگی، به‌ویژه تا دوسالگی، و تحریکاتی که در این سن مغز دریافت می‌کند با رشد ذهنی و از آن مهم‌تر کسب مهارت‌های اساسی، به‌ویژه مهارت دست‌وپنجه نرم‌کردن با مشکلات زندگی، رابطه‌ای قوی وجود دارد؛
- مسکن مناسب و راحت: در مطالعه کیفیت زندگی، تا جایی که به مسکن مربوط می‌شود، نگرانی‌های مربوط به اوضاع زندگی اقشار فقیر حاشیه‌نشین، اماکن مسکونی زاغه‌گونه، بحران‌ها، و مسائلی از این قبیل وجود دارد. با ارزیابی‌های کیفیت زندگی تا حد زیادی مشکلات و مسائل جاری را می‌توان شناسایی کرد و از بحران‌های بالقوه آتی نیز پیش‌گیری به‌عمل آورد؛
- زندگی در محیطی سالم: محیطی برای زندگی سالم است که هوای سالم، آب سالم، زیبایی، و دسترسی به طبیعت را میسر کند؛
- وجود امنیت فیزیکی: نبود جرم و جنایت و خشونت و کنترل آن با قوانین مناسب و تضمین اجرای این قوانین از طریق نظام قضایی و انتظامی سالم و کارآمد؛
- دسترسی به خدمات باکیفیت آموزش و بهداشت و درمان، خدمات عمومی از جمله حمل‌ونقل عمومی و تلفن و آب و برق، خدمات فرهنگی، امکانات تفریحی، به‌تازگی دسترسی به اینترنت پرسرعت و وسایل ارتباطی مدرن، و دسترسی به امکانات ورزشی.

ب) بعد اجتماعی: انسان ذاتاً موجودی است اجتماعی که زندگی‌اش در ارتباط با دیگران در سطوح گوناگون معنا می‌یابد. بعد اجتماعی شامل اوضاعی است که رابطه فرد را با دیگران در خانواده و در سازمان‌هایی که در آن کار می‌کند و یا عضویت دارد و در جامعه در رابطه با حکومت و دولت تعریف می‌کند. مهم‌ترین این متغیرها عبارت‌اند از:

• زندگی خانوادگی سالم و راحت: به‌نظر می‌رسد در دریای توفان‌خیز عصر حاضر خانواده بهترین لنگرگاهی باشد که تا به امروز بشر اختراع کرده است. کمک به افراد در کسب مهارت‌های لازم برای مدیریت پیچیده مسائل و مشکلات روبه‌وخامت خانواده‌های امروزی در تداوم وظیفه راه‌بردی دولت است؛

• زندگی سازمانی سالم و پربار: به معنای کار در سازمانی که تعادل میان کار و زندگی را بر هم نزند. ما بهترین و پربارترین ساعات روزمان (به‌طور معمول از ۸ یا ۹ صبح تا ۴ یا ۵ بعدازظهر) و بهترین سال‌های عمرمان (به‌طور معمول از ۲۳-۲۵ سالگی تا ۵۳-۵۵ سالگی) را در اختیار سازمان‌هایی قرار می‌دهیم که در آن کار می‌کنیم. یعنی با ارزش‌ترین بخش عمرمان. پرسش مهم این است که سازمان‌ها با آن چه می‌کنند؟

• جامعه محلی و کیفیت روابطی که در آن جریان دارد شامل رابطه با همسایگان، با اهل محل، و کسب‌وکارهایی که از آن‌ها خرید می‌کنیم؛

• دوستان و آشنایان و میزان صمیمیت و اعتماد متقابل بین فرد و آنان که سرمایه اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهند؛

• امنیت سیاسی: تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی فرد، از جمله آزادی بیان و برخورداری از حقوقی چون حق توسعه و پیش‌رفت، حق ارتباط، حق اطلاع، حق انتخاب غذا و لباس، و حق شادزیستن؛

• جامعه جهانی: زندگی در جامعه‌ای امن، باثبات، با آینده‌ای مطمئن و نویدبخش، و با نظام حکومتی‌ای که دغدغه‌اش بهبود مستمر کیفیت زندگی مردم است، اما همان‌گونه که گفته شد، انسان با تصوراتش درباره واقعیت و برداشت‌ها و ذهنیت‌هایش از واقعیت زندگی می‌کند (خوارزمی، ۱۳۸۷).

۲.۱.۶ متغیرهای ذهنی

این دسته از عوامل که خصوصیات مؤثر افراد جامعه به حساب می‌آید و نقش مؤثری در کیفیت زندگی ایفا می‌کند شامل ویژگی‌هایی از نوع حسن خلق، شادابی، و ... است. همین‌طور، سرمایه اجتماعی شامل شبکه ارتباطات اجتماعی و ویژگی‌هایی از این نوع سهم

مؤثری در کیفیت زندگی ایفا می‌کند. وسایل ارتباط جمعی نیز خود در ایجاد چنین خصوصیتی بین مردم در سطح جامعه نقش مؤثر دارد. از جمله مهم‌ترین متغیرهای ذهنی به این شرح است:

- دیدگاه فرد درباره زندگی: شامل دیدگاه فرد درباره مرگ عزیز، رنج، بیماری، درد، کمبود، فقر، محدودیت، تعریف شخص از زندگی و معنای آن، تعریف فلسفه آگاهانه وی از زندگی و ناخودآگاه در ذهن، و نگاهش به طبیعت و به هستی. به‌طور کلی جهان‌بینی فرد که رویکردش را به زندگی شکل می‌دهد. جهان‌بینی آموختنی است؛
- نیازهای فرد: فهرست نیازهای انسان معاصر به‌علت زندگی در محیطی که به‌شدت تحت کنترل بازار نوآوری است از مرز هزار نیاز گذشته است. مهم‌ترین این نیازها به شرح ذیل‌اند:

- کنج‌کاوی: انسان موجودی است که با کنج‌کاوی خود نه‌تنها در قوانین بنیادین طبیعت از جمله قوانین ماده و اطلاعات و ژن کشف و دست‌کاری کرده و برای خود سپهری متفاوت با سپهر طبیعی و البته مصنوع انسان آفریده است، بلکه افزون‌بر آن می‌تواند فارغ از دغدغه کشف و یا اختراع و دست‌کاری و خلق، آزاد و بی‌خیال، به تماشای طبیعت بنشیند و از درک سحر و افسون و کشف رازهای آن غرق در حیرت و لذت شود؛

- میل به شناخت و درک جهان پیچیده و پرابهام و گیج‌کننده؛

- تخیل و تجسم: ساختن واقعیت به هر شکل آن در ذهن و خیال و تلاش برای تحقق آن در قالب هنر، علم، و فناوری؛

- میل شدید به رشد و توسعه و یادگیری مستمر؛

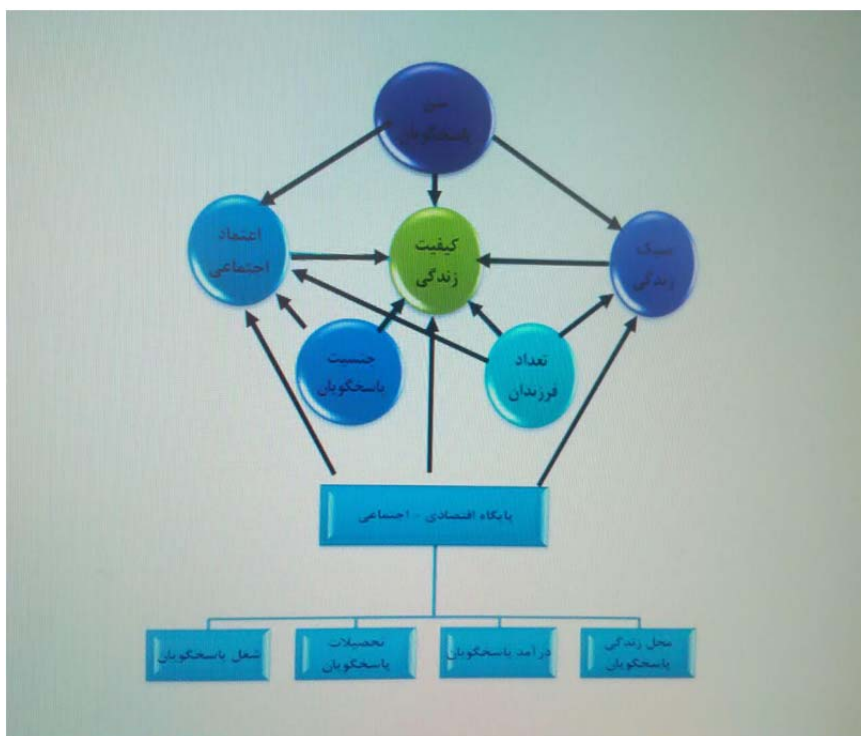
- نیاز به جست‌وجوی معنایی برای هستی و سعی در تعریف این معنا در رابطه خود با دیگران که تجلی آن عشق است و یا یافتن معنایی در رابطه با طبیعت و یا فضا و کیهان و یا در رابطه با خدا و کل هستی؛

- نیاز به خودشکوفایی و تعالی و توسعه مستمر که به گفته آبراهام مزلو، روان‌شناس، عالی‌ترین سطح نیاز انسان است. امروزه انقلاب اطلاعات و ارتباطات فرصت‌های بسیاری برای ارضای نیازهای معنوی انسان، انسان بازیگر و انسان کاوش‌گر و انسان تماشاگر، فراهم آورده است. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که دامن‌زدن به این نیازها، برخلاف نیازهای مادی، به فرد این احساس را می‌دهد که زندگی‌اش از کیفیتی در شأن انسان برخوردار است (www.irasis.ir).

با توجه به مطالب بیان شده فرضیه‌های زیر ارائه می‌شود:

۱. به نظر می‌رسد بین «کیفیت زندگی و ابعاد آن» با «متغیرهای زمینه‌ای» (سن، جنسیت، سواد، پایگاه اجتماعی، تأهل، و محل سکونت) رابطه وجود دارد؛
۲. بین «کیفیت زندگی و ابعاد آن» با «سبک زندگی» رابطه معنادار وجود دارد؛
۳. بین «کیفیت زندگی و ابعاد آن» با «مصرف محصولات فرهنگی» رابطه معنادار وجود دارد؛
۴. بین «کیفیت زندگی و ابعاد آن» با «اوقات فراغت» رابطه معنادار وجود دارد؛
۵. بین «کیفیت زندگی» و «اعتماد اجتماعی» رابطه معنادار وجود دارد؛
۶. بین «کیفیت زندگی» و «پایگاه اجتماعی - اقتصادی» رابطه معنادار وجود دارد.

۷. مدل نظری تحقیق



تصویر ۱. مدل نظری تحقیق

۸. روش تحقیق

برای پژوهش کردن روش‌های گوناگونی وجود دارد که یکی از آن‌ها روش پیمایشی (survey) است که در این پژوهش از آن استفاده شده است. بنابراین تحقیق حاضر از نوع توصیفی با تلفیقی از روش‌های پیمایشی و علی - مقایسه‌ای به شیوه مقطعی است.

در این تحقیق، به علت محدودیت‌های زمانی و فقدان منابع مالی و کارکنان کافی، برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه تحقیق حاضر از دو قسمت اصلی تشکیل شده است: قسمت اول به جمع‌آوری اطلاعات درباره شاخص‌های متغیر وابسته یعنی کیفیت زندگی اختصاص دارد که از طریق سؤال‌های بسته براساس مقیاس‌های مدرج ملهم از طیف لیکرت انجام شده است؛ قسمت دوم به جمع‌آوری اطلاعات درباره متغیرهای مستقل و زمینه‌ای اختصاص دارد که از طریق سؤال‌های بسته و باز انجام شده است.

پرسش‌نامه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی (world health organization quality of life questionnaire): این پرسش‌نامه که کیفیت زندگی را به صورت کلی و عمومی می‌سنجد دارای چهار حیطه سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی، و سلامت محیط با ۲۴ سؤال است. در ضمن این پرسش‌نامه دو سؤال دیگر نیز دارد که به هیچ‌یک از حیطه‌ها تعلق ندارند و وضعیت سلامت و کیفیت زندگی را به شکل کلی ارزیابی می‌کنند. متغیر وابسته: متغیر وابسته در این تحقیق کیفیت زندگی مردم شهرستان زنجان است. متغیرهای مستقل: عمده‌ترین متغیرهای مستقل تحقیق سبک زندگی فرهنگی، اعتماد اجتماعی، اوقات فراغت، و میزان و نحوه مصرف انواع محصولات فرهنگی است. متغیرهای زمینه‌ای: شامل سن، جنسیت، وضع تأهل، تحصیلات، میزان درآمد، شغل، و پایگاه اقتصادی - اجتماعی است.

جمعیت آماری و نمونه: جمعیت بررسی شده در این تحقیق شامل سرپرستان خانوار ساکن شهرستان زنجان (اعم از مناطق بالا، متوسط، و پایین) است که طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۱۰۹۴۳ خانوار بودند.

حجم نمونه: در این پژوهش به منظور برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران به شرح ذیل استفاده شده است:

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

با توجه به جامعه آماری پژوهش، استفاده از فرمول کوکران، در نظر گرفتن شکاف جمعیتی $P=0/5$ ، و پذیرش خطای $0/05$ در سطح ۹۵ درصد اطمینان حجم نمونه برای این تحقیق به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$n = \frac{(1/96)^2(0/5)(0/5)}{110943(0/05)^2 + (1/96)^2(0/5)(0/5)} = 383/83 \approx 384$$

۹. بررسی فرضیه‌های تحقیق

به منظور بررسی فرضیه‌های تحقیق از ضرایب هم‌بستگی و آزمون‌های آماری متناسب با آن‌ها (همانند آزمون‌های F ، T ، و ضریب هم‌بستگی پیرسون) استفاده شده است که نتایج تفصیلی هریک از آن‌ها در جدول ذیل ارائه و تفسیر آن‌ها نیز در ادامه بیان می‌شود:

جدول ۱. نتایج بررسی فرضیات

ردیف	متغیر	تعداد	نام آزمون و ضریب	میزان آزمون/ ضریب	Sig
۱	فضای زیست	۳۶۵	F	۲۸.۹۵۴	۰.۰۰۰
۲	سن	۳۶۵	F	۱.۶۱۶	۰.۱۷۰
۳	تحصیلات	۳۶۲	F	۸.۶۵۸	۰.۰۰۰
۴	شغل	۳۶۳	F	۳.۱۲۳	۰.۰۲۶
۵	جنسیت	۳۶۶	T	- ۲.۱۸۷	۰.۰۲۹
۶	سبک زندگی	۳۶۴	پیرسون	۰.۳۶۰	۰.۰۰۰
۷	مصرف فرهنگی	۳۲۲	پیرسون	۰.۱۵۸	۰.۰۰۶
۸	اوقات فراغت	۳۵۵	پیرسون	۰.۳۰۳	۰.۰۰۰
۹	اعتماد اجتماعی	۳۶۵	پیرسون	۰.۸۷۶	۰.۰۰۸
۱۰	پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۳۵۴	F	۰.۳۳۹	۰.۰۰۰

فرضیه اول- الف: بین کیفیت زندگی افراد در مناطق مسکونی گوناگون تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج، میزان F مساوی با ۲۸.۹۵۴ و میزان sig مساوی با ۰.۰۰۰ بود که با ۹۹ درصد اطمینان فرض H_0 یک (فرض تحقیق) تأیید و فرض H_1 صفر رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین «میانگین نمره کیفیت زندگی» افراد در مناطق

مسکونی گوناگون وجود دارد و در واقع «محل سکونت» تأثیر درخور توجهی در کیفیت زندگی افراد دارد.

فرضیه اول-ب: بین کیفیت زندگی افراد با گروه‌های سنی گوناگون تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج، میزان F مساوی با ۱.۶۱۶ و میزان sig مساوی با ۰.۱۷۰ بود که براساس آن فرض H صفر تأیید و فرض H یک رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین «میانگین نمره کیفیت زندگی» افراد با سنین گوناگون وجود ندارد و در واقع «متغیر سن» تأثیری در وضعیت کیفیت زندگی افراد ندارد.

فرضیه اول-ج: بین کیفیت زندگی افراد با سطح سواد و تحصیلات گوناگون تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج، میزان F مساوی با ۸.۶۵۸ و میزان sig مساوی با ۰.۰۰۰ بود و با ۹۹ درصد اطمینان فرض H یک (فرض تحقیق) تأیید و فرض H صفر رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین «میانگین نمره کیفیت زندگی» افراد با میزان سواد و تحصیلات گوناگون وجود دارد و در واقع «متغیر سواد و تحصیلات» تأثیر درخور توجهی در کیفیت زندگی افراد دارد.

فرضیه اول-د: بین کیفیت زندگی افراد با مشاغل گوناگون تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج، میزان F مساوی با ۳.۱۲۳ و میزان sig مساوی با ۰.۰۲۶ بود و با ۹۵ درصد اطمینان فرض H یک (فرض تحقیق) تأیید و فرض H صفر رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین «میانگین نمره کیفیت زندگی» افراد با مشاغل گوناگون وجود دارد و در واقع «متغیر نوع شغل» تأثیر درخور توجهی در کیفیت زندگی افراد دارد.

فرضیه اول-ه: بین کیفیت زندگی زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج، میزان T مساوی با ۲.۷۱۶ و میزان sig مساوی با ۰.۰۲۹ است و با ۹۵ درصد اطمینان فرض H یک (فرض تحقیق) تأیید و فرض H صفر رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین «میانگین نمره کیفیت زندگی» زنان و مردان وجود دارد و در واقع «جنسیت» تأثیر درخور توجهی در کیفیت زندگی افراد دارد.

فرضیه دوم: بین «کیفیت زندگی» و «سبک زندگی» رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول ۱، رابطه‌ای معنادار بین دو متغیر وجود دارد و با ۹۹ درصد اطمینان فرض H یک تأیید و فرض H صفر رد می‌شود.

فرضیه سوم: بین «کیفیت زندگی» و «مصرف فرهنگی» رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۱، رابطه‌ای معنادار بین دو متغیر وجود دارد و با ۹۹ درصد اطمینان فرض H یک تأیید و فرض H صفر رد می‌شود.

فرضیه چهارم: بین «کیفیت زندگی» و «اوقات فراغت» رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۱، رابطه‌ای معنادار بین دو متغیر وجود دارد و با ۹۹ درصد اطمینان فرض H یک تأیید و فرض H صفر رد می‌شود.

فرضیه پنجم: بین «کیفیت زندگی» و «اعتماد اجتماعی» رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول ۱، رابطه‌ای معنادار بین دو متغیر وجود دارد و با ۹۹ درصد اطمینان فرض H یک تأیید و فرض H صفر رد می‌شود.

فرضیه ششم: بین «کیفیت زندگی» و «پایگاه اجتماعی - اقتصادی» رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به نتایج جدول ۱، رابطه‌ای معنادار بین دو متغیر وجود دارد و با ۹۹ درصد اطمینان فرض H یک تأیید و فرض H صفر رد می‌شود.

بررسی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره: به منظور ارائه رابطه دقیق‌تر بین متغیرهای پژوهش از روش رگرسیون استفاده شد. رگرسیون چندگانه (multiple regression)، برخلاف رگرسیون ساده که فقط با توجه به یک متغیر مستقل تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند، با استفاده از ترکیب خطی چند متغیر مستقل به پیش‌گویی متغیر وابسته می‌پردازد (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۸۰). بنابراین، دو سؤال اساسی مطرح می‌شود، این سؤالات عبارت‌اند از:

۱. آیا اضافه کردن متغیرهای مستقل جدید میزان پیش‌گویی متغیر وابسته (وضعیت کیفیت زندگی) را دقیق‌تر خواهد کرد؟

۲. از میان متغیرهای مستقل کدام یک برای پیش‌بینی متغیر وابسته سودمندتر است، به عبارت دیگر کدام متغیر مستقل بیش‌تر از دیگر متغیرها واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند؟ پاسخ قطعی این سؤالات را می‌توان از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه به دست آورد (همان: ۱۸۱).

سلامت روانی، سن پاسخ‌گویان، میزان درآمد خود پاسخ‌گویان، نمره میزان اعتماد اجتماعی پاسخ‌گویان، نوع شغل پاسخ‌گویان، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، نمره سبک زندگی اصلی، نمره روابط اجتماعی، میزان درآمد همسر پاسخ‌گویان، سلامت جسمانی، و میزان تحصیلات پاسخ‌گویان متغیرهای مستقل‌اند و کیفیت زندگی پاسخ‌گویان متغیر وابسته است.

جدول ۲. خلاصه نتیجه مدل به کار گرفته شده برای تحلیل رگرسیون چندمتغیره

Model Summary				
Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
1.77714	.886	.918	.958 ^a	1

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس (ANOVA) برای رگرسیون چندمتغیره

ANOVA ^b					
Sig.	F	Mean Square	Df	Sum of Squares	Model
.000 ^a	28.424	89.770	11	987.470	Regression
		3.158	28	88.430	Residual
			39	1075.900	Total

جدول ۴. نتایج اصلی و نهایی تحلیل رگرسیون چندمتغیره

Coefficients ^a					
Sig.	t	Standardized Coefficients	Unstandardized Coefficients		Model
		Beta	Std. Error	B	
.017	2.505		10.096	5.100	(Constant)
.003	3.204	3.239	.022	.070	نمره سبک زندگی
.330	-992	-.078	1.300	-1.289	نمره اعتماد اجتماعی پاسخ گویان
.016	2.559	2.191	.867	2.220	میزان درآمد پاسخ گویان
.046	2.085	1.151	.195	.406	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
.044	-2.108	-2.223	.532	-1.121	میزان تحصیلات پاسخ گویان
.595	-.538	-.047	.075	-.041	سن پاسخ گویان
.984	-.020	-.012	.604	-.012	میزان درآمد همسر پاسخ گویان
.033	2.247	1.185	.863	1.938	نوع شغل پاسخ گویان
.031	2.270	1.171	.366	.830	سلامت جسمانی
.021	2.438	2.182	.418	1.018	نمره روابط اجتماعی
.000	7.185	4.629	.270	1.939	نمره سلامت روانی

a. Dependent Variable: نمره کیفیت زندگی پاسخ گویان

جدول ۲ تحلیل رگرسیون را نشان می دهد. مقدار R^2 تنظیم شده برابر با ۰.۸۸۶ است، بنابراین R^2 به دست آمده نشان می دهد که ۸۸.۶ درصد تغییرات متغیر وابسته را این متغیر

مستقل تبیین می‌کنند. اگر R^2 به دست آمده در این مرحله را با R^2 رگرسیون ساده مقایسه کنیم، متوجه این نکته می‌شویم که با افزایش متغیرهای جدید دقت پیش‌گویی رگرسیون نیز افزایش یافته است.

جدول ۳ نیز معنادار بودن مدل رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان می‌دهد و سطح معناداری (Sig= 0.000) به دست آمده معنادار بودن آن را در سطح ۹۵ درصد تأیید می‌کند (جدول ۳).

نتایج اصلی رگرسیون در جدول ۴ آورده شده است. ستون B در این جدول به مثابه ضریب برای پیش‌بینی مقدار Y در معادله رگرسیون استفاده می‌شود. فرمول عمومی معادله رگرسیون چندگانه به شرح زیر است:

$$Y^* = a + b_1x_1 + b_2x_2 + b_3x_3 + \dots + b_nx_n$$

در این معادله:

$$\hat{Y} = \text{مقدار پیش‌بینی شده متغیر } Y$$

$$a = \text{مقدار ثابت یا عرض از مبدأ نقطه تقاطع خط رگرسیون با محور } Y$$

$$b = \text{ضریب رگرسیون}$$

$$x = \text{مقادیر متغیرهای مستقل}$$

بر اساس مقادیر ستون B معادله رگرسیون را می‌توان به شرح ذیل نوشت:

$$Y^* = 5/100 + 0/070 (\text{سبک زندگی}) + 1/289 (\text{اعتماد اجتماعی}) + 2/220 (\text{درآمد}) + 1/938 (\text{شغل}) + 1/121 (\text{تحصیلات}) + 1/121 (\text{پایگاه اقتصادی - اجتماعی}) + 0/406 (\text{پاسخ‌گویان سلامت روانی}) + 1/939 (\text{روابط اجتماعی}) + 1/018 (\text{سلامت جسمانی}) + 0/830$$

در جدول ۴ مقدار t تک‌تک ضرایب رگرسیون نیز محاسبه شده و سطح معناداری آن‌ها در آخرین ستون جدول آمده است. همان‌طور که مقدار سطح معناداری (Sig) نشان می‌دهد، همه متغیرهای وارد شده به مدل رگرسیون، به غیر از دو متغیر (سن پاسخ‌گویان و درآمد همسر پاسخ‌گویان)، معنادارند.

هم‌چنین درباره تأثیر متغیرهای مستقل در پیش‌گویی معادله رگرسیون باید از مقادیر بتا (B) استفاده کرد. از آنجا که مقادیر بتا استاندارد شده است بنابراین از طریق آن می‌توان درباره اهمیت نسبی متغیرها قضاوت کرد. بزرگ بودن مقدار بتا نشان‌دهنده اهمیت نسبی و تأثیر آن در پیش‌گویی متغیر وابسته است. بنابراین در این جا می‌توان چنین قضاوت کرد که

متغیرهای سلامت روان، سبک زندگی، تحصیلات، درآمد، و روابط اجتماعی به مراتب سهم بیش تری در مقایسه با دیگر متغیرها در پیش گویی متغیر وابسته دارند. برای نمونه چنین می توان نتیجه گرفت که به ازای یک واحد در نمره سبک زندگی، به اندازه ۳/۲۲۹ افزایش در انحراف معیار متغیر وابسته (نمره کیفیت زندگی) ایجاد می شود.

۱۰. نتیجه گیری

با توجه به این که شناخت کیفیت زندگی خانوارها یکی از موارد بسیار مهم در حوزه تعیین سبک زندگی کنش گران اجتماعی است، بنابراین مقاله حاضر به دنبال مطالعه و بررسی جامعه شناختی کیفیت زندگی سرپرستان خانوارهای شهرستان زنجان بود. از میان نظریه های جامعه شناختی مطرح در حوزه کیفیت زندگی نظریه های بوم شناختی، کنش متقابل اجتماعی، نظریه کنش پارسونز، و نظریه تضاد بیش ترین کاربرد را در تبیین و تشریح موضوع تحقیق داشتند. با بررسی و تحلیل داده های جمع آوری شده تحقیق نتایج زیر حاصل شد:

۱. بین متغیر «کیفیت زندگی و مؤلفه های آن» با «محل سکونت» (فضای زیست) رابطه معناداری وجود داشت، مسئله ای که در نظریات بوم شناختی مکتب شیکاگو و نظریه پردازان مربوطه نیز به آن اشاره شده است. نکته مهم دیگر آن که بوردیو نیز در بحث میدان به نحوی به تأثیر فضای زیست در نحوه تعاملات اجتماعی و تعیین سطح کیفیت زندگی اشاره کرده است. همان گونه که در بررسی تفصیلی فرضیات نیز بیان شده است، نمره کیفیت زندگی افراد بررسی شده در مناطق گوناگون شهر زنجان به صورت معناداری با یکدیگر تفاوت داشت. شایان ذکر است که این مسئله در تحقیقات قبلی (به طور مثال ← Roslan et al., 2010؛ ماجدی و لهسایی زاده، ۱۳۸۵؛ نیکبخت نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۷؛ Theunissen and Zwiderman, 2002؛ اسچالوک و همکاران، ۲۰۰۲) نیز تأیید شده است؛

۲. بین دو متغیر «کیفیت زندگی» و «سن» رابطه معناداری وجود نداشت، ولی نکته درخور توجه این که بین یکی از مؤلفه های کیفیت زندگی (سلامت روان) و سن رابطه معناداری وجود داشت. درباره متغیر سن، به منزله یکی از متغیرهای زمینه ای، در اغلب نظریه های جامعه شناختی به نحوی به تأثیر آن در کیفیت زندگی و سبک زندگی اشاره شده است. متغیر سن به منزله یکی از ویژگی های جمعیت شناختی افراد بررسی شده تأثیر شایان توجهی در تغییر متغیرهای بررسی داشته است که مشخصاً درباره متغیر کیفیت زندگی نیز

به‌نوعی تأثیر آن ملاحظه می‌شود؛ به‌ویژه درباره مؤلفه سلامت روان رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود داشت. نکته مهم دیگر درباره متغیر سن و تأثیر آن در کیفیت زندگی تأکید رویکردها و نظریات پزشکی و روان‌شناختی بر تأثیر آن در کیفیت زندگی و سبک زندگی است؛

۳. بین متغیرهای «کیفیت زندگی» و «تحصیلات» رابطه معناداری وجود داشت. این مسئله نه تنها در حوزه متغیر کیفیت زندگی، بلکه درباره مؤلفه‌های کیفیت زندگی و متغیر تحصیلات نیز صادق بود. همان‌گونه که در چهارچوب نظری تحقیق نیز اشاره شد، اندیشمندانی همانند برگس، بوردیو، پارک، و مید به تأثیر عوامل دانش، آگاهی، سواد، و تحصیلات در تعیین تعاملات و ارتباطات اجتماعی و کیفیت زندگی افراد اشاره کرده‌اند، که این امر در بررسی فرضیه سوم تحقیق تأیید شد. نکته دیگر آن‌که در برخی از تحقیقات و پژوهش‌های پیشین (برای نمونه ← Flangan, 1987؛ ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵؛ Roslan et al., 2010؛ نیکبخت نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۷؛ Theunissen and Zwinderman, 2002؛ اسپالوک و همکاران، ۲۰۰۲) نیز رابطه معنادار بین متغیرهای تحصیلات و کیفیت زندگی تأیید شده است؛

۴. بین «کیفیت زندگی» و «شغل افراد» رابطه معناداری وجود داشت و نکته دیگر این‌که حتی بین همه مؤلفه‌های کیفیت زندگی (سلامت جسمانی، سلامت روان، روابط اجتماعی، و سلامت محیطی) و «شغل افراد» رابطه معناداری برقرار بود، نکته‌ای که در تحقیقات قبلی نیز تأیید شده بود؛

۵. مطلب مهم دیگر این‌که اغلب نظریات جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، و رویکردهای پزشکی به تأثیر درخور توجه متغیر شغل، به‌منزله یکی از عامل‌ها و مؤلفه‌های پایگاه اقتصادی - اجتماعی در تعیین کیفیت زندگی و سبک زندگی، اشاره کرده‌اند. برای نمونه نظریه بوم‌شناختی مکتب شیکاگو و جامعه‌شناسانی همانند برگس، پارک، مید، و کولی به تأثیر شغل در نحوه تعاملات و ارتباطات اجتماعی تأکید کرده‌اند و معتقدند که این متغیر در تعیین سطح کیفیت زندگی و سبک زندگی مؤثر است؛

۶. بین دو متغیر «کیفیت زندگی» و «سبک زندگی» رابطه معنادار وجود داشت، نکته‌ای که در اغلب رویکردهای پزشکی، روان‌شناختی، و به‌ویژه جامعه‌شناختی به آن اشاره شده است. برای نمونه نظریه سلامت‌محور در رویکرد پزشکی تأکید می‌کند که یکی از عامل‌های تعیین سبک زندگی کیفیت زندگی است. هم‌چنین این نتیجه در برخی از تحقیقات پیشین داخلی و خارجی درباره رابطه این دو متغیر تأیید شده بود؛

۷. بین دو متغیر «کیفیت زندگی» و «اعتماد اجتماعی» رابطه معناداری وجود داشت، نکته‌ای که نظریه‌پردازانی همانند گیدنز، هابرماس، بوردیو، و اندیشمندان نظریه بوم‌شناختی مکتب شیکاگو به آن اشاره کرده‌اند و در بخش مبانی نظری و چهارچوب نظری نیز بدان اشاره شد، ولی نکته حائز اهمیت این‌که هیچ‌یک از تحقیقات و پژوهش‌های قبلی رابطه بین این دو متغیر (کیفیت زندگی و اعتماد اجتماعی) را بررسی نکرده‌اند؛

۸. بین دو متغیر «کیفیت زندگی» و «پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخ‌گویان» رابطه معناداری وجود داشت، نکته‌ای که در اغلب نظریات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به آن اشاره شده است. برای نمونه می‌توان به نظریات جامعه‌شناسانی همانند ماکس وبر، برگس، بوردیو، گیدنز، و پارک اشاره کرد که به‌نوعی به تأثیر متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی در تعاملات و ارتباطات اجتماعی، به‌ویژه کیفیت زندگی و سبک زندگی، تأکید کرده‌اند. هم‌چنین نتیجه اغلب تحقیقات قبلی خارجی و داخلی (برای نمونه ← اسچالوک و همکاران، ۲۰۰۲؛ نیکبخت نصرآبادی و همکاران، ۲۰۱۰؛ ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵؛ Flangan, 1987؛ Theunissen and Zwinderman, 2002؛ Roslan et al., 2010) نیز بررسی و تأیید شده است.

کتاب‌نامه

- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰). «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، فصل‌نامه نمایه پژوهشی، س ۵، ش ۱۸.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جوامع پیش‌رفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: امیرکبیر.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۹). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: مرندیز.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۲). توسعه و نابرابری، تهران: مازیار.
- زندى، س. (۱۳۸۲). «بررسی مقایسه‌ای کیفیت زندگی در افراد مبتلا به افسردگی یا گروه شاهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- زیمل، گئورگ (۱۳۷۲). «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ترجمه یوسف اباذری، نامه علوم اجتماعی، ش ۳.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، تهران: علمی.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه محسن صبوری، تهران: نشر نی.
- ماجدی، سیدمسعود و عبدالعلی لهسایی‌زاده (۱۳۸۵). «بررسی متغیرهای زمینه‌ای سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس»، فصل‌نامه روستا و توسعه، س ۹، ش ۴.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). «بیگانگی»، نامه علوم اجتماعی، ج ۲، ش ۲، تهران: دانشگاه تهران.

نجات، سحرناز (۱۳۸۵). «استانداردسازی پرسش‌نامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF): ترجمه و روان‌سنجی گونه ایرانی»، *مجله دانشکده بهداشت و انستیتوی تحقیقات بهداشتی*، ش ۴. نیکبخت نصرآبادی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۷). «ارتباط حیطه‌های نگرانی با کیفیت زندگی دانشجویان»، *فصل‌نامه پیش*، س ۸، ش ۱، زمستان.

- Auh, S. (2005). 'An Investigation of the Relationship between Quality of Life and Residential Environments among Rural Families', A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty in Partial of the Requirements of Degree of Doctor of Philosophy, Iowa State University.
- Bentham, J. (1789). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, New York: Hafner.
- Bullock, B. S. and J. Susie (2004). *An Analysis of Technology Use and Quality of Life in a Rural West Texas Community*, Austin: University of Texas.
- Campbell, A., P. Converse, and W. Rogers (1976). *The Quality of American Life*, New York: Russell Sage Foundation.
- Flangan, J. C. (1978). 'A Research Approach to Improving our Quality of Life', *American Psychology*, Vol. 33.
- Joreskog, K. G. and D. Sorbom (2004). *Lisrel 8.7 for Windows [Computer Software]*, Lincolnwood, IL: Scientific Software International, Inc.
- Keyes, Corey L. M. and Shane Lopez (2002). *Positive Direction in Diagnosis and Interventions*, New York: Oxford University Press Keyes.
- Kim, Kyungmi (2002). 'The Effects of Tourism Impacts Upon Quality of Residents in the Community', Ph. D. Dissertation, Blacksburg, Virginia: Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University.
- Pal, A. K. and U. C. Kumar (2005). 'Quality of Life Concept for the Evaluation of Societal Development of Rural Community in West Bengal', India, *Rural Development*, Vol. xv, No. 2.
- Parker, J. S. and R. H. Moore (2008). 'Conservation Use and Quality of Life Rural Community: An Extension of Goldschmidt's Findings', *Southern Rural Sociology*, Vol. 23, No. 1.
- Parker, M. (1997). 'Loss in the Lives of Southeast Asian Elders', *Journal of Development in Quality of Life Studies*, Vol. 1, No. 2.
- Power, Mick (2003). *Development of a Common Instrument for Quality of Life*, United Kingdom: University Hospital of Edinburg.
- Raphael, D. et al. (1996). *Measuring the Quality of Life in Older Persons: A Model with Implications for Community and Public Health Nursing*, Toronto Center for Health Promotion: University of Toronto.
- Roslan, A., I. Russayani, and A. Norazam (2010). 'The Relationship between Social Capital and Quality of Life among Rural Households in Terengganu', *International Journal of Sustainable Development*, Vol. 1, No. 5, Malaysia.
- Sirgy, M. J. and T. Cornwell (2001). 'Further Validation of the Sirgy et al.'s Measure of Community Quality of Life', *Social Indicators Research*, Vol. 56, No. 2.
- Smelser, Neil (ed.) (1988). 'Inequality and Labor Processes', *Handbook of Sociology*, California: Sage.

- Spitzer, W. O. et al. (1981). 'Measuring the Quality of Life of Cancer Patients', *J Chronic Dis*, 34 (12).
- Theunissen, N. C. M. and K.H. Zwinderman (2002). 'Quality of Life and Self-esteem in Children Treated for Idiopathic Short Stature', *The Journal of Pediatrics*, Vol. 1, No. 5.
- Wood-Dauphine, S. (1999). 'Assessing Quality of Life in Clinical Research: From Where have We Come and where are Going?', *Journal of Clinical Epidemiol*, Vol. 52